

نوستالژی: بررسی مفهومی و کارکردها (۱)

دکتر محمود بابائی

یادش به خیر... اون موقع‌ها، نزدیک شب عید که می‌شد، پدرمون صدامون می‌کرد که حاضر بشید بریم بازار براتون لباس نو بخرم... بازار که می‌رفتیم، چشممون به تابلوی لباسفروشی‌ها بود که یه جایی بریم که لباسای شیک داشته باشه. فکر می‌کردیم اگه اسمش که مدرن باشه، حتمن لباسای شیک داره... آخر شام بابا به جیش نیگاه می‌کرد و کار خودش رو می‌کرد. البته یه نیم‌نگاهی هم به سلیقه ما داشت... چه لذتی داشت وقتی فروشنده لباس "پرو" شده رو دستمون می‌داد و می‌گفت: "مبارکتون باشه". انگار همه خوشی‌های دنیا مال ما بود... چقدر ما خوشبخت بودیم! ... تازه بعد شام سوار یه تاکسی بنز زرد رنگ می‌شدیم که بریم چلوکبابی "اعیان"! ما فقط عیداً اونجا می‌رفتیم! عید به عید... دود کباب همه دکان رو گرفته بود؛ ما از وسط دکان عبور می‌کردیم و می‌رفتیم طبقه بالا... ده دقیقه‌ای که می‌نشستیم، کباب رو توی سینی بزرگ می‌آورد... والای کباب، لباس نو... تازه عید و عیدی گرفتن هم در پیشه... چه روز و روزگار آروم و خوبی داشتیم، واقعن یاد اون زمان به خیر... بعد شام مهمونی و بازی و جمع شدن فامیلا دور هم دیگه.



نوستالژی به احساس اشتیاق افراد به دوره‌های گذشته و ارتباط عاطفی بین گذشته و حال افراد اشاره دارد. مفهوم نوستالژی از گذشته تا امروز به گونه‌های مختلف تعریف شده است. این واژه، برای اولین بار توسط یوهانس

هوفر در سال ۱۶۸۸ برای توصیف علائم جسمی و روانی مزدوران سوئسی که از وطن خود دور بودند، استفاده شد. اما مفهوم این واژه در گذر زمان دستخوش تغییر شد.

در نگاه نخست، نوستالژی، نوعی اشتیاق و تعلق ما به مکان است؛ آرزوی بودن در یک مکان خاص و دلبستگی به آن. اما ماهیت این تعلق خاطر، در واقع اشتیاق به زمان است و نه مکان. به جای تمرکز بر مکان‌های افسانه‌ای، در حقیقت ذهنیت خود را درباره زمان‌های اسطوره‌ای آشکار می‌کنند. زمان‌هایی که برای ما شکوه و جلوه بی‌همانندی داشته و یگانه بوده و غیرقابل تکرار. گذشت زمان، رؤیاهای ما را دستخوش تغییر می‌کند تا پرنده ذهنمان به دوران گذشته پرواز کند و به حسرت یاد کند: آن فرصت‌ها و شکوهی که بود و اکنون نیست. بدین سان، نوعی اسطوره‌سازی و طغیان در برابر برگشت‌ناپذیری زمان، رخ می‌دهد و گذشته، به اسطوره تبدیل می‌شود. زمان، برخلاف فضا/مکان، هرگز قابل بازگشت. زمان برگشت‌ناپذیر است؛ نوستالژی واکنشی به این واقعیت حسرت برانگیز است.

دلتنگی برای گذشته، ترکیبی از تلخی و شیرینی، گمشده و یافت شده، دور و نزدیک، نو و آشنا، نبودن و بودن است. گذشته‌ای که تمام شده و رفته و ما از آن دور شده‌ایم یا در حال حذف شدن هستیم، با جادوی نوستالژی برای مدت کوتاهی دوباره آن را فرامی‌خوانیم. نوستالژی شناخت و احساسات را دوباره تنظیم می‌کند تا دست کم آسایش و امنیت ذهنی و حسی برایمان ایجاد کند. ممکن است گذشته‌ای که آن را شیرین و رؤیایی می‌دانیم، در واقع چنین نبوده و ما برای آرامش خود، زشتی‌ها و پلشتی‌هایش را می‌زداییم و آن را پر از شیرینی و زیبایی می‌کنیم و می‌شود: «روزهای خوب گذشته». اما تفاوت ندارد. مهم ساخته‌های ذهنی ما از «آن دوران..» است نه واقعیتی که بوده. در ادامه بازهم به این نکته اشاره خواهیم کرد.

در نگاه بدینانه، نوستالژی را «زندگی در گذشته» تعبیر کرده‌اند! این تعبیر نه هیچ پشتوانه منطقی دارد و نه علمی است. نوستالژی صرفاً «زندگی در گذشته» نیست، بلکه تعاملی فعال با گذشته و کنار هم قرار دادن گذشته و حال است. تداوم و رفت‌وبرگشت بین گذشته و حال را نباید به «بازماندن در دوره کودکی» تقلیل داد. بلکه، این خود نیرویی است که آرامش روزگار شیرین گذشته را یادآوری می‌کند، چیزی که بخشی جدانا شدنی از وجود و هویت او است.

«نوستالژیک بودن» را می‌شود شبیه «عاشق بودن» دانست. به ویژه، به حالت احساسی که پس از پایان یافتن یک رابطه عاشقانه تجربه می‌شود. آنچه در نظر شخص، دست‌نیافتنی است نه تنها ارزشمند است، بلکه ایده‌آل جلوه می‌کند و متوجه می‌شود که آنچه به یاد می‌آورد در گذشته‌ای که «عصر طلایی» می‌داند، قابل دستیابی بوده است.

نوستالژی را به عنوان "یادآوری تلخ و شیرین رویدادهای عاطفی گذشته" تعریف می‌کنند و آن را نوعی خاطره زندگی نامه‌ای می‌خوانند. گاهی شدت بروز احساسات نوستالژیک آن‌چنان است که کسانی حسرت گذشته‌ای را می‌خورند و واکنش‌های نوستالژیک بروز می‌دهند که در واقع، نه آن‌چنان وجود داشته و نه آن را تجربه کرده‌اند. این نوستالژی به زمان‌ها و دورانی اشاره دارد که از نزدیک برای ما شناخته شده نبوده‌اند. یعنی اینکه می‌توان برای چیزی که تجربه نکرده‌ایم دل‌تنگی کنیم یعنی: «نوستالژی جابه‌جا شده». نوستالژی دوران گذشته، مستلزم تجربه واقعی آن دوران نیست. ایدئولوژی مسلط، برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود، از طریق رسانه‌های جمعی، نوستالژی را ایجاد و حفظ می‌کند.

هارپر (Harper) تأکید می‌کند که نوستالژی «راه و روش طبیعی روان ما برای مبارزه با بیماری یا ناامیدی و مصیبت است، تا انسان ماندگاری و ثبات خود را احساس کند. هر چه انسان مضطرب‌تر شود، دل‌تنگی او را بیشتر می‌شود. راه گریز درون‌زا برای مقابله با این اضطراب و آشفتگی چیست؟. با نگاه کردن به اینکه چه کسی و کجا بوده‌ایم، بهتر می‌توانیم بفهمیم که اکنون چه کسی و کجا هستیم. لزوماً این‌گونه نیست که نوستالژی نوعی فرار باشد.

نوستالژی و تداوم هویت


به گفته "آدن" (Aden) نوستالژی نشان‌دهنده تمایل افراد برای به دست آوردن کنترل مجدد بر زندگی خود در یک زمان نامشخص است. "آدن" ارتباط نوستالژیک را وسیله‌ای برای فرار موقت از موقعیت کنونی می‌داند. او بر ضرورت تسهیل تداوم هویت تأکید می‌کند. ارتباطات نوستالژیک در این چارچوب و ظرفیت عمل می‌کند. ارتباطات نوستالژیک ابزاری برای فرار نمادین از شرایط فرهنگی نامطلوب کنونی در اختیار افراد قرار می‌دهد. شرایطی که به گمان آن‌ها، «افسرده کننده یا بیهوده» است. استفاده از ارتباطات برای حرکت در زمان، به افراد این امکان را می‌دهد که خود را در «پناهگاه معنایی امن» قرار دهند، تا احساس امنیت کنند. این‌ها تکاپویی آشکار برای حفظ هویت و امنیت بخشیدن به هویت است.

ما هویت خود را در طول زندگی خلق و بازآفرینی می‌کنیم. حتی در تکرارهای ما، احتمالاً برخی از عناصر هویت وجود دارد که در طول زمان، ثابت می‌مانند. خاطرات نوستالژیک این فرصت را به ما می‌دهد تا هویت گذشته و حال را مشاهده کرده و در کنار هم قرار دهیم.

همچنین دیویس (Davis, F) اشاره می‌کند که «نوستالژی یکی از ابزارها - یا بهتر، یکی از لنزهای روان‌شناختی آسان‌تر - است که ما در کار بی‌پایان ساختن، حفظ و بازسازی هویت خود استفاده می‌کنیم.» در برخورد با گسست‌هایی که ما در زندگی با آن‌ها روبرو می‌شویم، بازآفرینی موقعیت مناسب و هویت گذشته‌مان، راه

آسانی برای غلبه بر بیهودگی و افسردگی است. گویا دستان خود را به گذشته دراز می‌کنیم و خطی می‌کشیم تا بگوییم ما چنین عقبه‌ای داشته‌ایم و بی‌ریشه نیستیم. دنبال چیزی هستیم که همیشه با ما باقی مانده است و آن، هویت ما است. چنین احساسی، بزرگ‌ترین عامل در آسان‌سازی تداوم هویت است.

«تداوم هویت» به معنای ایستایی هویت نیست. بلکه فرد در طول زمان، هم یکسانی و هم متفاوت بودن را در خود مشاهده می‌کند. عمل یادآوری خاطره و تجربه نوشتار می‌تواند ممکن است منجر به دیدن این واقعیت شود که: «آن زمان چنان بود، اکنون چنین است». به این ترتیب تغییراتی را در خود در طول زمان یادداشت می‌کنیم. بسته به ماهیت آن تغییرات، ممکن است احساس رشد کنیم یا احساس سستی و پسرفت کنیم. به احتمال زیاد، هر دو احساس رشد و پسرفت، تحریک می‌شوند و این احساسات ممکن است در درک فرد از خود و ساخت و حفظ یک هویت منسجم اهمیت داشته باشند.

ادامه دارد... 

منابع:

- Wilson, Janelle L. (2005) *Nostalgia : Sanctuary of Meaning*. Lewisburg: Bucknell University Press.
- Sedikides, Constantine and Wildschut, Tim (2022) Nostalgia across cultures. *Journal of Pacific Rim Psychology*, 16. (doi:10.1177/18344909221091649).
- Tetik, T. & Türkeli, Ö. (2023). Popular Cinema as Nostalgia Industry: Reunions, Remakes and Requels. *sinecine*, 14(1), 7-31. <https://dergipark.org.tr/en/pub/sinecine/issue/76823/1253910>
- Wildschut, T., Sedikides, C., Arndt, J., & Routledge, C. (2006). Nostalgia: Content, triggers, functions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(5), 975–993. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.91.5.975>
- Harper, Ralph (1966) *Nostalgia: An Existential Exploration of Longing and Fulfillment in the Modern Age*. Cleveland, OH: The Press of Western Reserve University.
- Aden, Roger C. (1995) "Nostalgic Communication as Temporal Escape: When It Was a Game's Reconstruction of a Baseball/Work Community." *Western Journal of Communication* 59: 20–38.
- Davis, Fred (1979) *Yearning for Yesterday: A Sociology of Nostalgia*. New York: The Free Press.